



نکته‌ی دیگه این که گاهی وقت‌ها از تناسخ يك نوعی توجیه  
 ظلم‌های خودشون رو کردن! يك حاکم ستمگر هست، مال مردم  
 رو می‌خوره، مردم رو در سختی و بیچارگی قرار می‌ده؛ مردم سر  
 و صدا، می‌گه سر و صدا نداره! شما فقر داری؟ بله! بیچارگی  
 داری؟ بله! فلاکت داری؟ بله! به من چه! تو در دوره‌ی قبل  
 خراب‌کاری کردی باید در این دوره فشار می‌دید! لذا آوردیمت  
 در اقلیم من، و در اقلیم من داری عذاب می‌شی! این به من چه  
 ربطی داره! تو مشکل از خودته! پس این چنین توجیهی انجام  
 گرفته، که حالا مسائل تاریخی هم هست؛ گاهی اوقات داشتیم  
 که در مللی که تناسخ حاکم بوده، گاهی اوقات برای ظلم‌های  
 خودشون، قتل‌های خودشون، بی‌عدالتی‌های خودشون، توجیه کردن  
 گفتن آقا شما ملت حق‌تون هست! شما دوره‌ی قبل خیلی خراب  
 کردین، هر کدوم‌تون هم در نقاط مختلف بودین شما رو آوردن  
 این‌جا! حالا لطف کردن ما هم حاکم شما افراد قرار دادن! يك  
 مشت ملت درب و داغون! ما هم اومدن حاکم شما، ما هم  
 حتماً يك مشکلاتی داشتیم که حاکم شما شدیم به تعبیری!  
 يك سری توجیهاتی رو کردن، سوءاستفاده‌هایی کردن!